

راه که درحضر انگلستان برای اجرای ۱۹۱۹ چه بود؟

«کودتای ۱۲۹۶، به جای «فراراد ۱۹۱۹»

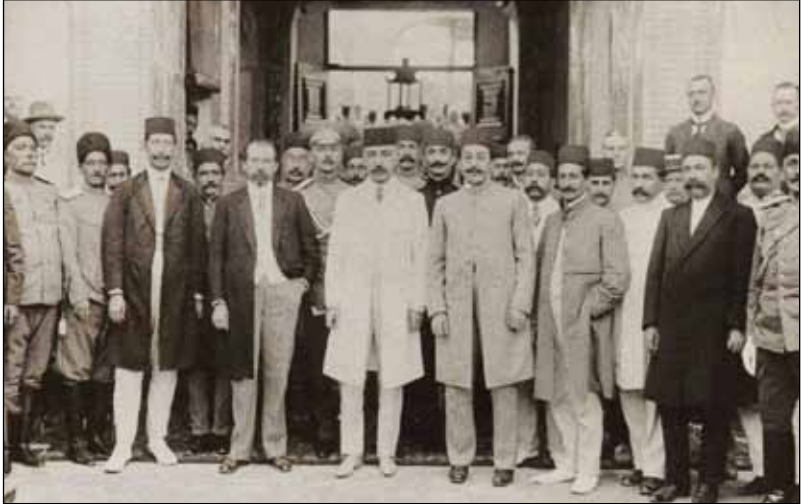
قرارداد ۱۹۱۹ بدون تصویب در مجلس شورای ملی و تنها با امضای وثوق‌الدوله درحال اجرا شدند بود و مستشاران نظامی انگلیسی سرگرم اجرای آن بودند. «دکرزن» (وزیر وقت خارجه بریتانیا) هم به از روی دیرینه خود دست یافته بود و در یادداشتی درباره قرارداد ۱۹۱۹ نوشته بود: «فرش- آن نیست که ما اختیار ایران را به دست گرفته یا خواهیم گرفت بلکه مقصود آن است که حکومت ایران درپیک که ما تحت قدرت بزرگ در همسایگی آن هستیم که به سرنوشته ایران سخت علاقه‌مندیم، می‌توانیم و مایلیم. ایران را در احیای ثروت‌هایش یاری کنیم.» وی با رضامندی آن را شاهکاری دیپلماتیک به‌شمار می‌آورد و اینگونه می‌نویسد: «پیروزی بزرگی است و من به تنهایی آن را به انجام رسانده‌ام.» همزمان بااین اتفاقات، بلشویک‌ها در همسایگی ایران در باکو به قدرت می‌رسند. نیروهای گارد روسیه به ازبکی می‌گریزند. شوروی با تعقیب و شکست آنان بندر انزلی را اشغال می‌کند و انگلیس‌ها تعداد زیادی اسلحه، مهمات، مواد خوراکی، پوشاک و بتریز را بر جای گذاشتند و شتابان از رشت و ازبکی عقب‌نشستند و پل منجیل را پشت‌سر خود منفرع کردند. این اقدام به اعتبار بریتانیا خیره‌سپه‌کنی‌زدن آن طرفی نشانه قرارداد ۱۹۱۹ با روی کار آمدن دولت مشیرالدوله فروست غلظت مشیرالدوله اجرای قرارداد ۱۹۱۹ نوشته مجلس به تعویق انداخت. انگلیسی‌ها با شرایطی ویژه و بهره‌بروندن آنان از سوی مجبور بودند نیروهای‌شان را از ایران خارج سازند و از سوی دیگر بشدت از پیشروی روس‌ها در ایران احساس نگرانی می‌کردند برای خروج نیروهای انگلیسی از ایران ژنرال «هموند اروینساید» از طرف دولت انگلستان مأموریت یافت تا با کمترین خطرات به این برنامه جامه عمل بپوشاند.



ایرونیساید ابتدا خواستار خروج بی‌درسر نیروهای انگلیسی و بازگشت وضعیت به زمان پیش از قرارداد بود اما اوضاع ناخوشایند ایران و ناتوانی حکومت مرکزی در اداره امور کشور وی را بیش از پیش نگران می‌کرد، مسأله‌ای که گزارش‌های مقامات سیاسی نظامی بریتانیا در تهران آن را تأیید می‌کرد. ایرونیساید در بازدید از نیروهای قزاق با فردی به نام رضاخان آشنا شد. ایرونیساید در خاطراتش رضاخان را این‌طور توصیف می‌کند: «شاه‌های پیش، سر و وضعی بسیار موقر و قافیه بلند، پیش از ۱۸۰۰ متر شادت، عین عقابی و چشمان درخشان قیافه‌ای پرشور و نشاط به او می‌داد» ارتشیر جیرموریز درباره آشنایی با رضاخان و معرفی وی به ایرونیساید می‌نویسد: «در اکتبر سال ۱۹۱۷ بود که حوادث روزگار مرا با رضاخان آشنا کرد. ملاقات‌های بعدی من با رضاخان در نقاط مختلف و پس از متجاوز از یک سال بیشتر در قزوین و تهران صورت می‌گرفت. به زبانی ساده تاریخ و جغرافیا و اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را برایش تشریح می‌کردم. اغلب تا دیرگاه‌ها به صحبت من گوش می‌داد. به دستور وزارت جنگ (وینستون چرچیل) در لندن و ناپلسلطنه هند، همکاری نزدیک ژنرال ایرونیساید و من آغاز گردید. سرانجام از ارضاخان را به ایرونیساید معرفی کردم.»
ایرون بر این باور بود فقط دیکتاتور نظامی در ایران به آنها فرصت خواهد داد تا این کشور را بدون دفعه‌ه ترک کنند. ژنرال انگلیسی بهترین راه را برای استقرار دیکتاتوری نظامی کودتا معرفی کرد. نظرات ایرونیساید در واقع متمسک کننده مواضع وزارت جنگ بریتانیا بود. ایرونیساید همچنین در گفت‌وگوهایش از سیدضیاءالدین به عنوان قطب فکری کودتا نام برد. درباره رهبر سیاسی کودتا، سیدضیاءالدین طباطبایی بهترین گزینه به نظر می‌رسید. وی‌زگی‌هایی داشت که وی را از هر حیت برای انجام کودتا ممتاز می‌کرد: سرسپردگی‌اش به انگلیسی‌ها شهره آفاق بود، فردی که در روزنامه معروف خود، رعد، در زمان جنگ اول جهانی به نفع انگلیسی‌ها و متفقین مقاله می‌نوشت، مبالغه سرسخت قرارداد ۱۹۱۹ بود و در دفاع از آن با همکاری کتلب هیک انگلیسی، کمینه آهن را تشکیل داد. سیدضیاء خستگی‌ناپذیر و نداشت و به خوبی می‌توانست نقش یک رهبر انقلابی را ایفا کند. ضمن اینکه چیرهدستی‌اش در روزنامه‌نگاری به وی امکان نوشتن و صدور بیانیه‌های انقلابی و عموفریانه را می‌داد. سرانجام در بهماند سوم اسفند ۱۲۹۶ عدای از نیروهای قزاقی به فرمادندی رضاخان وارد تهران شده و بدون ابهام با مقامی جدی روبه‌رو شوند در عرض چندین ساعت تهران را فتح کردند. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۶ در حقیقت نسخه دوم قرارداد ۱۹۱۹ محسوب می‌شد. انگلیسی‌ها آنچه را که به‌واسطه قرارداد درصدد کسب آن بودند از طریق کودتا به دست آوردند. این واقعیت در تانگراف «هومن» وزیر مختار انگلستان به لندن که پس از توفیق کودتا مخابره شده به وضوح بیان شده است. «.. سیدضیاء درباره اطلاعات سیلستانی که پس از تشکیل کابینتش اتخاذ کرد، اطلاعات محرمانه زیر را در اختیار من قرار داده است: .. طبق اطمنیاتی که سیدضیاء به من داد، قدم‌های لازم بی‌درنگ برداشته خواهد شد تا عدای از افسران و مستشاران انگلیسی در وزارت‌خانه‌های جنگ و دارای مشغول کار گردند. .. سیدضیاء مطمئن بود که اگر ما نصایح و پیشنهاد‌های او را به کار بندیم، چنین سیاستی در هر مرحله آخر به نفع کامل بریتانیا تمام خواهد شد و اغلب آن مزایایی را که دولت ما تحت قرارداد ۱۹۱۹ به دست آورده بود بعد از الفای قرارداد هم گمان‌ان در پشت پرده خواهد کرد.» سعی و کوشش انگلیسی‌ها این بود که نقش خود را در کودتا پنهان دارند بنابراین رضا خان سردار سرافراز با انتشار بیانیه‌ای معروف با جمله «با حضور من مسبب کودتا را تجسّس کردن مضحک نیست؟» خود را عامل کودتا معرفی کرد. عبدالله مستوفی در خاطرات خود (شرح زندگانی من) در این باره می‌نویسد: «در یکی از همین روزها به دیدار سید حسن مدرس رفته بودم سید محضوما از این شرایط خیلی عصبی بود و می‌گفت انگلیسی‌ها حاضر بودند ۲ میلیون خرج کنند تا این وصله را از خود بکنند. این مرد به رایگان تمام این گناهان را به گردن گرفت و آنها را از این محضومه بین‌المللی فرار کرد. که در آینده دولت ایران نتواند گله‌گذاری در این زمینه بنماید.»

انگلستان پرداخت مقرری ماهانه به احمدشاه را نپذیرفت

ایران: ۴۰۰هزار تومان!



انگلیسی‌ها برای تسهیل امضای قرارداد ۱۹۱۹ مبلغ ۴۰۰ هزار تومان (که گویا به پول آن زمان مبلغ بسیار هنگفتی می‌شد) میان ۳ وزیر عاقد قرارداد به شرح زیر تقسیم کرده بودند:

۱- نخست‌وزیر (وثوق‌الدوله) ۲۰۰هزار تومان
۲- وزیر خارجه (فیروز میرزا نصرت‌الدوله) ۱۰۰ هزار تومان
۳- وزیر دارایی (اکبر میرزا صام‌الدوله) ۱۰۰ هزار تومان.
پیش از تقسیم این پول‌ها، از لندن به «سر پرسبی کاکس» (وزیر مختار انگلیس در ایران) دستور داده شد که حتی‌المقدور چانه‌بند تا شاید حق‌العمل وزرای رشوه‌گیر را قائل بدهد.

کاکس در تلگراف مورخ ۱۴ آگوست ۱۹۱۹ خود جواب داد: «.. حد اعلاای موقعیتی که در این کار نصیب شد بایدین آوردن مبلغ مورد مطالبه به چه چارصدا هر چه بود که معادل است با۱۲۱۲۷۷ لیره و ۱۱ شلینگ و ۹ پنی»-
از لحاظ رعایت انصاف این موضوع را محرمانه باید به اطلاع‌تان برسانم که در قضیه مطالبه پول خود وثوق‌الدوله اقدام بافشاری نداشت که آن دو وزیر دیگر (نصرت‌الدوله و صام‌الدوله) که حقیقتاً چانه را به لب آوردند.»
شاه‌وزرای عاقد قرارداد هر کدام توفعاتی از انگلیس داشتند که همه را نمی‌شد اجابت کرد ولی به قسمتی از آن توفعات می‌شد چوای مساعد داد. قیمتی که احمدشاه برای پشتیبانی از قرارداد مطالبه می‌کرد از ۲ قلم مهم تشکیل می‌شد:



انکوفیل

«سیدضیاء طباطبایی» که در زمان عقد قرارداد ۱۹۱۹، روزنامه رعد را منتشر می‌کرد، با آوردن دلایلی شگفت‌انگیز تلاش می‌کرد ثابت کند چنین قراردادهایی به نفع ملت و کشور ایران است. سیدضیاء در اسفند۱۲۹۹ به وفصله چند ماه از اعتراضات علیه قرارداد ۱۹۱۹ نخست‌وزیر کابینه کودتا شد و برای آفاق بود، فردی که در روزنامه معروف خود، رعد، در زمان جنگ اول جهانی به نفع انگلیسی‌ها و متفقین مقاله می‌نوشت، مبالغه سرسخت قرارداد ۱۹۱۹ بود و در دفاع از آن با همکاری کتلب هیک انگلیسی، کمینه آهن را تشکیل داد. سیدضیاء خستگی‌ناپذیر و نداشت و به خوبی می‌توانست نقش یک رهبر انقلابی را ایفا کند. ضمن اینکه چیرهدستی‌اش در روزنامه‌نگاری به وی امکان نوشتن و صدور بیانیه‌های انقلابی و عموفریانه را می‌داد. سرانجام در بهماند سوم اسفند ۱۲۹۶ عدای از نیروهای قزاقی به فرمادندی رضاخان وارد تهران شده و بدون ابهام با مقامی جدی روبه‌رو شوند در عرض چندین ساعت تهران را فتح کردند. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ در حقیقت نسخه دوم قرارداد ۱۹۱۹ محسوب می‌شد. انگلیسی‌ها آنچه را که به‌واسطه قرارداد درصدد کسب آن بودند از طریق کودتا به دست آوردند. این واقعیت در تانگراف «هومن» وزیر مختار انگلستان به لندن که پس از توفیق کودتا مخابره شده به وضوح بیان شده است. «.. سیدضیاء درباره اطلاعات سیلستانی که پس از تشکیل کابینتش اتخاذ کرد، اطلاعات محرمانه زیر را در اختیار من قرار داده است: .. طبق اطمنیاتی که سیدضیاء به من داد، قدم‌های لازم بی‌درنگ برداشته خواهد شد تا عدای از افسران و مستشاران انگلیسی در وزارت‌خانه‌های جنگ و دارای مشغول کار گردند. .. سیدضیاء مطمئن بود که اگر ما نصایح و پیشنهاد‌های او را به کار بندیم، چنین سیاستی در هر مرحله آخر به نفع کامل بریتانیا تمام خواهد شد و اغلب آن مزایایی را که دولت ما تحت قرارداد ۱۹۱۹ به دست آورده بود بعد از الفای قرارداد هم گمان‌ان در پشت پرده خواهد کرد.» سعی و کوشش انگلیسی‌ها این بود که نقش خود را در کودتا پنهان دارند بنابراین رضا خان سردار سرافراز با انتشار بیانیه‌ای معروف با جمله «با حضور من مسبب کودتا را تجسّس کردن مضحک نیست؟» خود را عامل کودتا معرفی کرد. عبدالله مستوفی در خاطرات خود (شرح زندگانی من) در این باره می‌نویسد: «در یکی از همین روزها به دیدار سید حسن مدرس رفته بودم سید محضوما از این شرایط خیلی عصبی بود و می‌گفت انگلیسی‌ها حاضر بودند ۲ میلیون خرج کنند تا این وصله را از خود بکنند. این مرد به رایگان تمام این گناهان را به گردن گرفت و آنها را از این محضومه بین‌المللی فرار کرد. که در آینده دولت ایران نتواند گله‌گذاری در این زمینه بنماید.»



دولتی دوناتبعیتی

«برواند ابراهامیان» در تاریخ ایران مدرن می‌نویسد: وثوق‌الدوله هنگام امکانی این قرارداد، در قاضای طباطبایی از کزن قول گرفته بود در صورت نامساعد شدن اوضاع و احوال به او پناه‌دهی سیاسی داده شود و وزیرمختار بریتانیا در تهران، تضمین‌هایی به شرح زیر تسلیم هر یک از وزرای سه‌گانه کرد: عالیجناب! برحسب اجزای که از طرف حکومت عالیحضرت پادشاه انگلستان به دستنهاد شده‌است، با کمال خوشنویی به اطلاع می‌رسانم که با توجه به قراردادی که همین امروز- نهم آگوست ۱۹۱۹- میان دولتین بریتانیای کبیر و ایران بسته شد، حکومت عالیحضرت پادشاه انگلستان آمده است در صورت احتیاج به وسیله مقامات سفارت انگلیس در تهران از شما پشتیبانی کند و اگر لازم شد آن عالیجناب را در یکی از سرزمین‌های متعلق به امپراتوری بریتانیا به عنوان پناهنده سیاسی پذیرد. با احترام! پرسبی-ز کاکس



فروش کلیسیرین ممنوع!

در یکی از اعتراضات جدی علیه قرارداد ۱۹۱۹، مینتینگ بزرگی در میدان توپخانه هرگز می‌شود که موجب واکنش شدید دولت وثوق می‌شود. بعد از اعلام خبر آماجگی برخی افسار صراف بر تعطیلی و استعفا، در شهر حکومت نظامی قرار شد و برخی مخالفان به کاتلن تبعید شدند. حتی فروش کلیسیرین در داروخانه‌ها ممنوع شد تا کسی نتواند با استفاده از آن صغه چاپ لائنتی ساخته و به نشر شبه‌نامه اعلامیه بپردازد.

واکشاور



گرده بادآور: وقتی موضوع

قراردادهای انگین منعقد شده در تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر ایران مطرح می‌شود. عمداً از میان آن‌ها برای عامه قابل درک‌تر است، مسائلی مانند از دست دادن بخشی از خاک ایران در نتیجه قراردادهای گلستان و ترکمانچای است که مطرح می‌شود. حتی از میان این دو، «ترکمانچای» بیشتر بر سر زبان‌ها افتاده است، در حالی که حجم اراضی از دست داده شده در قرارداد گلستان بیشتر است. شاید ترکمانچای به لحاظ قطعی در ادبیات شفاهی کار در پیروی داشته چه دانیم؟ اما مسأله‌نامه حداقل در ۱۰۰ سال گذشته کم نبودند توافقات و قراردادهای بین‌المللی که به ضرر این مرز و بوم تمام شده‌اند. مثلاً همین جایی بخیرین از ایران که در معرض به ۵۰ سال می‌رسد، اتفاقی که در دوره محمدرضا پهلوی روی داد یا قرارداد آقایی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۲۸ و کتار زند دولت مرمحی مصدق که جمعلی به ضرر منابع ملی بودند، یا قرارداد نفتی ۱۹۳۳ که در زمان رضاخان و در ازای وزیر ۳۰ هزار لیره به حساب رضاخان در بانک لویتر لندن منعقد شد، قراردادی که مواد و مفاد آن بشدت «تحقیق‌کننده» است یا قرارداد تقسیم ایران (معروف به ۱۹۰۷) که میان روسیه و انگلستان بسته شد.

از این سبب قرارداد ۱۹۱۹ که در مطبوعات و اشراعات تاریخی به قرارداد «وثوق‌الدوله» نیز شهره شده از چند جهت قابل ملاحظه و مذاقه است؛ اینکه نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه و وزیر دارایی احمدشاه، با موافقت و احتمالاً «چیگی» شاه جوان توانستند ایران و مافیها را ضمیمه قرارداد «۱۹۱۹» کنند و به قیمت ۴۰۰ هزار تومان بفروشند، یعنی تو خود حدیث مفصل بخوان از پلبشوی سیستم حاکم و اختیاری که تازه مویده به تأیید مجلس مشروطه هم شده است. مثلاً ماجرای قرارداد ۱۹۱۹ بازمی‌گردد به رویای «لرد کرزن» وزیر خارجه بریتانیا که بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و غنچه‌بینش شوروی از قرارداد تقسیم ایران، انگلستان خود را یک‌هنگام تحت نفوذ و تسلط روسیه نباشند قائل بود و از طرفی به دلیل همسایگی ایران با مستعمرات هند، تلاش می‌کرد تا نهایت بهره‌برداری را از ایران انجام دهد. آیزری که لرد کرزن برای این کار برگزیده قید پیمان ۱۹۱۹ با حکومت وثوق‌الدوله بود، ارد کرزن به ضرورت ایجاد زیرجوبی از کشورهای حایل که روسیه را از هند جدا کند و هیچ‌کدام تحت نفوذ و تسلط روسیه نباشند قائل بود و آن را از ارکان مهم سیاست «فخاز از هند» می‌شمرد. ایران در نظر او مهم‌ترین و در عین ضعیف‌ترین حلقه این زنجیر را تشکیل می‌داد که باید از خطر تعدی هر مجاوروی محفوظ بماند از اجابای که پس از تأسیس جامعه ملی و امضای منشور، آن تجاوز مستقیم به استقلال کشورها و منضم کردن خاک آنها به خاک کشورهای فاتح، رسا ممنوع شده بود و از طرفی در کشوری مثل ایران که پس از هزار کیلومتر مرز مشترک با روسیه داشت اقدام به چنین عملی (اشغال دائم و مستقیم کشور) در حکم انتحار سیاسی بود. کرزن به دنبال استقرار نوعی «ظلم اقتصادی» در ایران و تحت‌الحمایه کردن غیرمستقیم کشور بود، چرا که اجرای هدف‌های سیاسی و نظامی بریتانیا در خاک ایران با تسلط بر شتون مالی و اقتصادی به‌طور مستقیم عملی نبود. به همین دلیل «لرد کرزن» عقد قرارداد ۱۹۱۹ را حکومت «وثوق‌الدوله» را به عنوان وسیله‌ای «غیرمستقیم» برای رسیدن به این هدف برگزید. سرانجام روز هجدهم مرداد سال ۱۲۹۸

درباره آن چه می‌دانید؟

۱۹۱۹

به ضرورت ایجاد زیرجوبی از کشورهای حایل که روسیه را از هند جدا کند و هیچ‌کدام تحت نفوذ و تسلط روسیه نباشند قائل بود و آن را از ارکان مهم سیاست «فخاز از هند» می‌شمرد. ایران در نظر او مهم‌ترین و در عین ضعیف‌ترین حلقه این زنجیر را تشکیل می‌داد که باید از خطر تعدی هر مجاوروی محفوظ بماند از اجابای که پس از تأسیس جامعه ملی و امضای منشور، آن تجاوز مستقیم به استقلال کشورها و منضم کردن خاک آنها به خاک کشورهای فاتح، رسا ممنوع شده بود و از طرفی در کشوری مثل ایران که پس از هزار کیلومتر مرز مشترک با روسیه داشت اقدام به چنین عملی (اشغال دائم و مستقیم کشور) در حکم انتحار سیاسی بود. کرزن به دنبال استقرار نوعی «ظلم اقتصادی» در ایران و تحت‌الحمایه کردن غیرمستقیم کشور بود، چرا که اجرای هدف‌های سیاسی و نظامی بریتانیا در خاک ایران با تسلط بر شتون مالی و اقتصادی به‌طور مستقیم عملی نبود. به همین دلیل «لرد کرزن» عقد قرارداد ۱۹۱۹ را حکومت «وثوق‌الدوله» را به عنوان وسیله‌ای «غیرمستقیم» برای رسیدن به این هدف برگزید. سرانجام روز هجدهم مرداد سال ۱۲۹۸

خودکشی یک سرتیپ

سرتیپ «فضل‌الله خسان آقا راسی» عضو کمیسیون مشترک نظامی- مرکب از ۷ افسر ارتش انگلیسی و ۷ افسر ایرانی- بود وی به همراه یکی دیگر از افسران ایرانی عضو کمیسیون احسلی کرد رای موافق دادن به چنین ماده‌ای خیانت محض به ایران است و به این دلیل حاضر نشد پای گزارش کمیسیون را امضا کند. وی از شدت آثار خاطر، موعهی که برایش مسلم شد دستش را با شمشیر بر روی شتر شاهی برای آینه‌اند ایران تصمیم می‌گیرند، مرگ را بر زندگی در چنین کشوری ترجیح داد و از شدت غم و اندوه در خیانت خودکشی کرد. خبر خودکشی وی به دلیل تعطیلات نوروزی که میر به گوش مردم رسید اما موجب شد بر اعتراضات عمومی مردم نسبت به قرارداد ۱۹۱۹ افزوده شود.



به پایم لندن

متن سرمقاله روزنامه تایمز لندن در روز ورود احمدشاه به انگلستان: «پیمان تاجدار ما (احمدشاه) در این نخستین دیدارش از انگلستان، از پادشاه و ملکه ما از توده مردم بریتانیا گرم‌ترین استقبال‌ها را دریافت کرد. است شهریار جوان ایران در شخص وزیر خارجه بریتانیا لارڈ کرزن، طرح قرارداد (۱۹۱۹) را با سیاستمداری آشنا شده است که یک عمر به رفاه و سعادت ایران علاقه‌مند بوده است. در عین حال این اشتیاز تاریخی نصیب لرد کرزن شده است که با) انقضای قرارداد (را درحالتی) رابط تاریخی ما با ایران بر پایهای محکم‌تر و صمیمانه‌تر استوار سازد.»

مدرس چگونه در مقابل وثوق‌الدوله ایستاد؟

ایران را ارزان فروختید



پیرامون قرارداد ۱۹۱۹ نامه کوتاه و پرمحتوایی از مدرس به پاسخی از وثوق در پاورقی صفحه ۲۴۴ کتب «تلاش آزادی» تألیف دکتر بلستانی بازپزی آمده است که به شرح ذیل می‌خوانیم: «مورخ‌الدوله» که واسطه ملاقاتی جهت آشتی بین مدرس و وثوق‌الدوله بود، چنین می‌نویسد: «مدرس اظهار کرد که وی (وثوق‌الدوله) بسیار جسور و متهور است اگر جسارت نداشت مر تکب چنین خیانتی نمی‌شد ولی تاریخ تکرار می‌نماین مستشاران انگلیسی برای ادرات در خانه خدا معتک و اشتغال به تلاوت قرآن داشت ولی پس از اینکه به خلافت رسید قرآن را اوسید که تا حالا رفیق شما بودم و بعد هم شره که را آتش زد و به منشیقت بست، به هر صورت وثوق‌الدوله را حالی نمایبد من کار خود را می‌نمایم و شما کار خودتان را لکن من موقی می‌شوم و شما ضرر خواهید نمود» اگر قرارداد لغو شد همیشه متضرر و متفور و از سیاست دور خواهید شد و اگر قرارداد عملی شد و انجام گرفت دیگر انگلیس به شما کاری ندارد و به رضایت ملت ایران شما را افا خواهد نمود.»

روزی وثوق‌الدوله پس از تنظیم قرارداد به خانه مدرس آمد و خطاب به وی گفت: افاقتشیدام با پیمان تنظیمی بیسن ما و دولت انگلیس مخالفت کرد.باید مدرس گفت: بلای وثوق‌الدوله پرسید دلیل مخالفت شما چیست؟ افا به صراحت فرمود: قسمتی از آن قرارداد را برای من خوانده‌اند، جمله اول که نوشته بودید دولت انگلیس استقلال ما را به رسمیت شناخته است. اا انگلیس کیست که استقلال ما را به رسمیت بشناسد، اا وثوق! چرا شما این قدر ضعیف و نماندگان از همه جای مجلس بلند شده، مدرس لحظه‌ای خاموش ماند. آنگاه سکوت را شکست و نماندگان گفت: «این حرف مثل این است که یکی بیاید و به من بگوید سبه، من سید بودن تو را به رسمیت می‌شناسم.» مدرس افزود: «این قرارداد استقلال مالی و نظامی ایران را از بین می‌برد، چون اگر بخواهیم ایران، مستقل بماند باید همه چیزش در دست ایرانی باشد. همه چیزش باید متعلق به ایران باشد اما من می‌گویم: سیدهم ذی‌عقدہ ۱۲۹۷ قق یک روز تحسی بود از برای ایران، جز- اعتراض سه نفر بودند آقای وثوق‌الدوله، صام‌الدوله، نصرت‌الدوله، مردم گفتا غافل را داشتند که مدرس در جلسه دهم این (۱۳۰۳)

سیاست ایرانی

«ایرانی باید ایرانی باشد، سیاستم هم ایرانی باشد.» هنگام بررسی قرارداد وثوق‌الدوله در مجلس، مدرس خاطرنشان کرد که «هی می‌آیندند سیاستم که می‌گفتند که این است که این قرارداد کجایش بد است؟» بگوید تا برویم اصلاح کنیم. من جواب می‌دادم. آن چیزی که در این قرارداد به نظر من بد است، همین ماده اولش است که می‌گوید ما (انگلیسی‌ها) استقلال ایران را به رسمیت می‌شناسیم.»



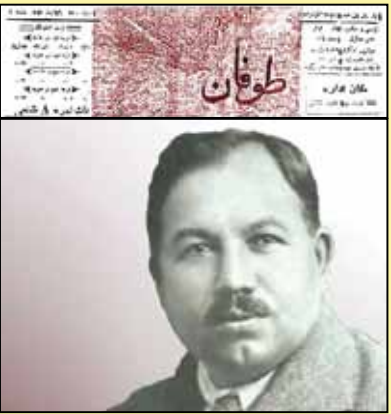
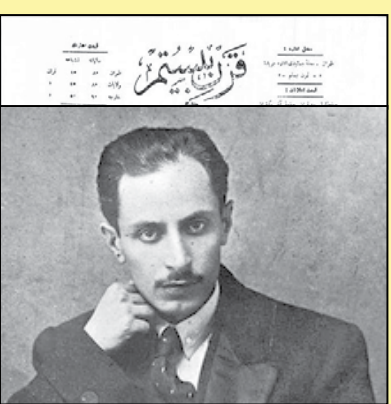
«طوفان» فرخی و داد عشقی «قرن بیستم» علیه قرارداد ۱۹۱۹
رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت

در کتار واکنش‌های عمومی نسبت به قرارداد ۱۹۱۹، شاعرانی چون میرزاده عشقی و فرخی‌زیدی اشعاری را علیه وثوق‌الدوله، انگلیس و این قرارداد انگین سرودند. عشقی که همزمان در «روزنامه قرن بیستم» مبارزات جدی علیه استعمار و به نفع آزادی‌خواهی انجام می‌داد، اشعرا قابل اشعاری در نقد و اعتراض به قرارداد ایران و انگلیس اینچنین سرود:

رفت شاه و رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت
باغیان، زحمت مکش کر ریشه کنند این درخت
میهمانان وثوق‌الدوله خونخوارند سخت
ای خدا، باد خون ما این مهمانی می‌کنند.
عشقی همچنین چکامه‌ای را علیه قرارداد در سال ۱۲۹۷ش سروده است که ابیاتی کارلا سرا و واضح در مذمت انگلیس و وثوق‌الدوله دارد و در آخر از اینکه ملت با بی‌حالی و بی‌حسی خود را تسلیم چنین قراردادهایی می‌کند، گله کرده است.

.. داستان موش و گربه است، عهد ما و انگلیس
موش را گر گربه بر گیرد، رها چون می‌کند؟
انگلیس اگر دلش، مهر من و تو سوخته
آنکه هر یک وجب خاک اینقدر خون می‌کند؟
آنقدر می‌دانم امروز که بر ما داده پنج غار، فردا دعوی پنجاه ملیون می‌کند.
در شعر «درد وطن» باز به معاهده‌اشراه می‌کند:
«تنها منم که در کشود حکم حق قل
حاشا چنین معاهده‌امضای نمی‌شود
گر سیل سیل خون ز در و دشت ملک هم جاری شود معاهده امضا نمی‌شود
عشقی در حبس تاریک شهربانی تهران، خطاب به وثوق‌الدوله قصیده زیر را سرود و در این شعر نسبت به علت محسوس شنشن چنین اعتراض می‌کند:

..زبانم را نمی‌دادم، گنجه‌کار از چه می‌خوانی؟
چه بد کرد که گردانم از آن کرده شبانش
اگر که گفت بیکانه چه می‌خواهد در این خانه؟
خیالت می‌به‌نمودم، چه می‌خواهد از جشن؟
نگهداری این کشور، اگر ناید ز دست تو
چرا داند دست خودت، که دست انگلیستان؟
...گنجه‌کار من از این پادش استقلال ایرانش
...با خاطر پریشانی از اوضاع پریشانست؟
عشقی علاوه بر این اشعار، ابیاتی دیگری نیز در این زمینه سروده است.



شاعر و روزنامه‌نگار دیگری که علیه قرارداد ۱۹۱۹ اعتراض کرده و با مقالات و اشعار کوبنده خود علیه وثوق‌الدوله مبارزه می‌کند،فرخی‌زیدی«است که روزنامه طوفان را منتشر می‌کند: داد که دستور دیو خوبی زبیداد
کشور جم را باد بی‌هنری داد
داد قزاقی که به قزاقی ملت
زان فلک می‌رسد زوولوه و داد...
فرخی که به دستور نخست‌وزیر زندانی می‌شود در حبس نیز دست از مبارزه برنمی‌دارد:
.. حبس نمودی مرا که گفتندام آن دوست
در به روی دشمن وطن رچه بگذاشت؟
و در بار شعر دیگری می‌گوید:
باوثوق‌الدوله هم صبا گوی این پیام
باوطن‌دواهان ایران بد سلوکی یکب نیست
..آن که استقلال ما را در قرار اتشا نمود
مقتضش از آن شوم خود جز تملیک نیست
و در این رباعی می‌گوید:
آنان که بریز قلب ما را خاستند
دیروز قرار با اجابا بستند
دوشنبه یگانه عضو دولت بودند
امروز نماینده ملت هستند
و در رباعی دیگری می‌گوید:
بدنختی ایران زد و تن فقام
این نکته مسلم خواص است و عوام
این دولت انگلیس را بود وثوق
این سلطنت هنوز را هست قوام